

نگاه بیرون

درگذشت رفسنجانی
ضربه‌ای به میانه‌روها



ترجمه: شهرام زرنادر

● اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور اسبق ایران، در ۸۲ سالگی درگذشت. وفات او ضربه‌ای بزرگ به میانه‌روها و اصلاح‌طلبان بود. اصلاح‌طلبانی که اکنون از بانفوذترین حامی خود در نظام سیاسی ایران محروم شده‌اند، از او تحت عنوان «یکی از ستون‌های انقلاب اسلامی» یاد می‌کنند. سیاست‌های پراگماتیستی او؛ آزادسازی اقتصادی، روابط بهتر با غرب و قدرت‌بخشیدن به نهادهای انتخاباتی برای بسیاری از ایرانیان جاذبه داشت. اما اصولگرایان و رادیکال‌ها به او از بالا و منفی نگاه می‌کردند. در ایران مدرن تعداد اندکی همچون او دارای قدرت و نفوذ هستند، اما رفسنجانی و خانواده‌اش از سال ۲۰۰۹ ایزوله بوده‌اند. علت این امر مواضع آنها بود که از انتخابات سال ۸۸ رد. رفسنجانی، رئیس شورای تشخیص مصلحت نظام بود؛ نهادی که برای حل اختلافات بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تأسیس شده است. او همچنین یکی از اعضای مجلس خبرگان بوده است؛ نهادی مخصوص روحانیت که رهبر نظام را انتخاب و برمی‌گزیند؛ رهبری که قدرتمندترین شخصیت نظام اسلامی است. مرگ او قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ماه می، ضربه‌ای به حسن روحانی اعتدالی و میانه‌رو که خود را متفق رفسنجانی در انتخابات سال ۲۰۱۳ می‌دانست و انتخابات را به‌همین‌دلیل برده بود به حساب می‌آید. با پیروزی در این انتخابات، او به رویارویی طولانی ایران و غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران خاتمه داد. روحانی در توییت خود می‌گوید: «روح مرد بزرگ انقلاب، سمبل و نماد صبر و مقاومت به بهشت پر کشیده است». عباس میلانی، مدیر برنامه مطالعات ایرانی در دانشگاه استنفورد، گفته: «مرگ او نمی‌توانست در زمانی بدتر از این رخ دهد، مرگ او در زمانی که رخ داده است که رئیس‌جمهور منتخب، دونالد ترامپ، خود را آماده ورود به کاخ سفید می‌کند». با توجه به آنچه در ایالات متحده در حال رخ‌دادن است و احتمال و امکان‌داشتن وقوع بی‌ثباتی در سیاست ایالات متحده، شما به صدایی از عقل و پراگماتیسم نیاز دارید که در این میان بر اوضاع نفوذ داشته و مهم باشد، او همین صدا بود. او افزود: «ارشدت‌آدان در صدا احتمالا اوضاع را به آنجا می‌کشاند که هرگونه تصادف از سر بدشاسنی یا سوءمحاسبه از سوی تیم ترامپ باعث پدیدآمن پاسخخی رادیکال و به طریز بالقوه مخرب‌تر از سوی دولت ایران شود». ترامپ در مدت مبارزات انتخاباتی برای رسیدن به کاخ سفید گفته بود که توافق هسته‌ای با ایران از سبوی ۵+۱ را باره‌پاره خواهد کرد؛ توافق‌نامه‌ای که بین ایران و قدرت‌های جهانی منعقد شده است. براساس توافق هسته‌ای، تهران موافقت کرده برنامه هسته‌ایش را درعوض لغو تحریم‌های اقتصادی محدود کند. ترامپ توافق هسته‌ای با ایران را «بدترین توافق می‌داند که تاکنون در تاریخ‌جمهوری‌های یک کشور دیگر امضا شده است». او همچنین گفته توافق هسته‌ای را پاره نخواهد کرد، بلکه آن را چنان مورد بازرسی پلیسی قرار خواهد داد که ایرانی‌ها هیچ شانسسی برای تخطی از آن نخواهند داشت. یک مقام وزارت امور خارجه ایالات متحده روز یکشنبه از رفسنجانی به‌عنوان «یک شخصیت طراز اول و مهم» در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران یاد کرد. او گفته: «ما به خانواده و عزیزانش تسلیت می‌گوییم». پیکر هاشمی‌رفسنجانی به حسینییه جماران برده شده، حسینییه جماران اقامتگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، آیت‌الله روح‌الله خمینی، بوده است. بسیاری از سیاستمداران و شخصیت‌های مذهبی در آنجا گرد هم آمدند تا آخرین احترامات خود را به او ادا کنند. جمعیتی از مردم نیز بیرون بیمارستانی در شمال تهران که رفسنجانی را اول به آنجا برده بودند، گرد هم آمدند. از معاون اول وزیر بهداشت، محمد آقاجانی، نقل‌قول شده است که او به صداوسیما دولتی ایران گفته: «آیت‌الله‌های‌رفسنجانی‌های من از حمله قلبی به این بیمارستان برده شده و تلاش‌ها پس از یک ساعت برای زنده‌کردن و بازگرداندن علائم حیاتی او ناموفق بوده است». هاشمی اعتقاد داشت که اصلاحات به طولانی‌شدن حکمرانی اسلامی ایران کمک می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در پیام تسلیت به مناسبت مرگ آیت‌الله رفسنجانی می‌گوید تفاوت در دیدگاه‌ها سیاسی بین او و رفسنجانی هرگز باعث آسیب‌دیدن دوستی و رفافت تقریبا ۶۰ساله آن دو نشده است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه‌ای گفته: «تلاش‌های خواسانه‌ای که تلاش می‌کنند تا تفاوت دیدگاه‌ها ما سوءاستفاده کنند هرگز اثری بر عواطف گرم او نسبت به بنده نداشته است». مراسم تشییع و تدفین رفسنجانی روز سه‌شنبه در تهران برگزار شد. رفسنجانی از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ رئیس‌جمهور ایران بود. قهرمان روابط بهتر با دولت‌های عرب در خلیج‌فارس بود و به‌عنوان کسی که دارای روابط و پیوندهای خوب و مناسبی با مقامات ارشد سعودی بود شناخته شده است. او با به‌عنوان شخصیت کلیدی که می‌توانست تنش‌های فرایزنده بین دو رقیب منطقه‌ای را در سال‌های آتی حل‌وفصل کند یاد می‌شد. وزیر خارجه بحرین، شیخ‌خالدبن احمد الخلیفه که کشورش دارای روابط متشنج با ایران است، در توییت خود به مناسبت مرگ رفسنجانی به خانواده او تسلیت گفته است.

دیپلماسی

تحلیل «امید ملکی» از سیاست دولت ترامپ درباره توافق هسته‌ای

می‌خواهند ایران را به جایی برسانند که برجام را نقض کند

روسیه چاره‌ای جز همکاری با ایران ندارد



سیده‌آمنه موسوی

معتقد است که اظهارات و دیدگاه‌های ارانه‌شده از سوی ترامپ درخصوص ایران تماما ناشی از فقر اطلاعات و نبود داده بوده است و ما باید میان «ترامپ کاندید» و «ترامپ برگزیده» با «ترامپ رئیس‌جمهور» تفکیک جدی قائل ش‌شویم.
امید ملکی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل که پژوهش‌های بسیار زیادی در رابطه با پروسه تحریم‌های ایران از سوی ایالات متحده انجام داده است، در ادامه تأکید می‌کند که در دوره رئیس‌جمهور جدید آمریکا نیز بازی بزرگ تهران و واشنگتن که بر پایه «تخاصم‌های دوجانبه، بنا شده است، همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. او با رد امکان بازیبنی با توقف اجرای برجام در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ بر این باور است که در این دوره بازیبنی در برجام صورت نخواهد گرفت، بلکه فشار بر اجرای سخت‌گیرانه مفاد آن افزون خواهد شد تا ایران را به جایی برسانند که برجام را نقض کند و بعد همه‌جا جار بزنند که این ایران است که قابل‌اعتماد نیست.

ببینید معلوم نیست این انتظار از سوی دولتمردان در جامعه شکل گرفته یا مردم به‌طور خودجوش فکرشان این شده که با برجام همه مشکلات موجود از سر راه توسعه ملی ایران برداشته خواهد شد. یکی از عمده‌ترین مشکلات ما با کشورهای اروپایی، مشکل عدم شفافیت فعالیت‌های اقتصادی خودمان است. همین موضوع TFTA بحثی جدی است که در پیوستن ایران به دنیا تجارت آزاد مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. ایران پذیرفته تا آن را اجرا کند اما لازمه این کار شفافیت‌های مالی است که ما در تمام این سال‌ها توجهی به آن نداشته‌ایم. همین حالا همه نمادهای بانکی در بورس کشور بسته است. فکر می‌کنید چرا؟ برای اینکه باید همه صورت‌های مالی این بانک‌ها استانداردسازی شود. استانداردسازی صورت‌های مالی ضرر و زیان‌های وکشتکاری را در بانک‌های کشور نشان می‌دهد. کار به جایی رسیده که شورای عالی بورس از رئیس‌جمهور خواسته است تا دراین‌باره تصمیم‌گیری کند، چراکه از یک‌سو بانک مرکزی برای اصلاح صورت‌های مالی بانک‌های کشور (براساس قوانین بین‌المللی) اعمال فشار می‌کند و از سوی دیگر، در صورت این شفاف‌سازی قیمت سهام همه بانک‌های ایران به صورت غیرقابل قبولی سقوط خواهد کرد.

■ علاوه بر موارد فوق، ما اعتراضاتی هم نسبت به تمدید اجرای قانون داماتو داشته و آن را برخلاف مفاد برجام تلقی کرده‌ایم.
تمدید این قانون به‌وضوح نقض برجام است و خوشبختانه در این توافق با امور ناقلینش آن هم اشاره شده است. کمیسیونی نیز برای این امر در نظر گرفته شده است که به امور مورد نظر رسیدگی می‌کند؛ البته با عنایت به دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای مقامات کشورهای مختلف به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک از این کشورها به دنبال برهم‌زدن برجام باشند و حتی گمان نمی‌کنم که آقای ترامپ نیز واقعا بخواهد و بتواند آن را انجام دهد؛ برجام یک قرارداد دوجانبه نیست که در صورت روس‌ها باید در مرحله نخست با کناره‌گیری اسد از قدرت موافقت کنند. بعد هم به تعادل شیعه و سنی در عراق به نفع اهل سنت تن دردهند و در نهایت طرح آمریکایی‌ها را را در سوریه بپذیرند تا در سوریه تعادلی سه‌جانبه برقرار شود که در آن علوی‌ها، سنی‌ها و کردها هرکدام یکی از اقطاب این مثلث بوده و یکدیگر را مهار کنند.

■ علاوه بر موارد فوق، ما اعتراضاتی هم نسبت به تمدید اجرای قانون داماتو داشته و آن را برخلاف مفاد برجام تلقی کرده‌ایم.

تمدید این قانون به‌وضوح نقض برجام است و خوشبختانه در این توافق با امور ناقلینش آن هم اشاره شده است. کمیسیونی نیز برای این امر در نظر گرفته شده است که به امور مورد نظر رسیدگی می‌کند؛ البته با عنایت به دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای مقامات کشورهای مختلف به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک از این کشورها به دنبال برهم‌زدن برجام باشند و حتی گمان نمی‌کنم که آقای ترامپ نیز واقعا بخواهد و بتواند آن را انجام دهد؛ برجام یک قرارداد دوجانبه نیست که در صورت روس‌ها باید در مرحله نخست با کناره‌گیری اسد از قدرت موافقت کنند. بعد هم به تعادل شیعه و سنی در عراق به نفع اهل سنت تن دردهند و در نهایت طرح آمریکایی‌ها را را در سوریه بپذیرند تا در سوریه تعادلی سه‌جانبه برقرار شود که در آن علوی‌ها، سنی‌ها و کردها هرکدام یکی از اقطاب این مثلث بوده و یکدیگر را مهار کنند.

■ علاوه بر موارد فوق، ما اعتراضاتی هم نسبت به تمدید اجرای قانون داماتو داشته و آن را برخلاف مفاد برجام تلقی کرده‌ایم.

روپایی‌ها از همان زمان اعمال تحریم‌های ISA در سال ۱۹۹۷، آمریکا را تهدید کردند در صورت تحت فشار قراردادن شرکت‌های اروپایی از سوی واشگتن با آن مقابله خواهند کرد. اما همین کشورها با تلاش‌های چهارساله اوپاما با تحریم‌های جامع ایران موافقت کردند، چراکه آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری اوپاما توانست تنش‌اتلافی را علیه ایران در جهان به وجود آورد. از آن پس هم تحریم‌های ایران را به بازی «انتخاب عقلانی» کشاند و اعلام کرد بانک‌ها و شرکت‌های خارجی می‌توانند در ایران حضور داشته باشند اما هزینه کارکردن با تهران را نیز بپردازند و این هزینه‌ها آن‌قدر بالا کرد که هیچ کشوری در برقراری معادل هزینه – فایده کارکردن در ایران در مقایسه با خروج از ایران برایش محلی با اعراب نداشته باشد.

■ با این اوصاف، اروپایی‌ها نمی‌خواهند وارد بازار ایران شوند؟
حضور آنها بعد از برجام در بازار ایران در حال افزایش است.
■ نه در این حد و اندازه. در یک اشل و اندازه بزرگ‌تر.

■ آقای ترامپ در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به‌دفعات بحث لزوم بازنگری در برجام را مطرح کرده بود. با آغاز دوره ریاست‌جمهوری او، اجرای این سیاست تا چه اندازه امکان‌پذیر است؟

قطعا عملکرد ترامپ به‌عنوان «کاندیدای انتخابات» با ترامپ به‌عنوان «رئیس‌جمهور برگزیده» و ترامپ «رئیس‌جمهور» متفاوت است. در وهله نخست ما باید میان این سه فرد و موقعیت‌هایی که در آن قرار داشته و دارند، تفکیک جدی قائل شویم. اظهارنظرها و احتمالا انتقادهایی که تا به امروز راجع به ایران شنیده شده از سوی ترامپ کاندیدا و بعد ترامپ منتخب بوده است؛ ما هنوز در رابطه با ایران موضع‌گیری رسمی از سوی ترامپ رئیس‌جمهور مشاهده نکرده‌ایم. شاید بتوان موضع‌گیری‌های ترامپ کاندیدا را هم ناشی از فقر اطلاعات و درباره ایران دانست؛ این فرد یا هر فرد جمهوری‌خواه دیگری تا زمان ورود به کاخ سفید قطعا موضع‌گیری‌های مشابهی داشته‌اند. به‌عبارت دیگر به جهت آنکه ترامپ به همه اطلاعات طبقه‌بندی‌شده دسترسی نداشت، نمی‌توانست ارزیابی و تحلیل درستی درباره ایران داشته باشد. بعد هم باید توجه داشت که دنیای سیاست، دنیای پیش‌بینی است و نه پیشگویی و با عنایت به سناریوهای «امکانی» و نه «احتمالی» در سیاست، هر کنششی، واکنششی را به دنبال دارد. به این موضوع توجه کنید که دیدگاه‌های امکانی گذشته‌نگر نیستند، بلکه نگاهی به آینده دارند.

■ یعنی با ارائه داده‌های جدید به ترامپ از ایران، در سطح تحلیل‌ها و اظهارنظرهای او هم تغییراتی ایجاد می‌شود؟

بله همین‌طور است. از این پس اظهارات رئیس‌جمهور جدید آمریکا براساس داده‌هایی که در اختیار او قرار می‌گیرد، بیان می‌شود. بعد هم نباید فکر کنیم که سیاستمدار، اختیار تام برای ارائه هر نوع اظهارنظری دارد و دیگران در مقابل او فعال‌میا‌شند. هستند. با عنایت به همان سناریوی امکانی که به آن اشاره کردیم، برای کنش‌های احتمالی حتما واکنش‌هایی نیز وجود دارد، بنابراین اگر من به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا کنش A را انجام دهم، رئیس‌جمهور یا رئیس یک نظام سیاسی دیگر نیز کنش B را از خود بروز خواهد داد. **■ اما حتی کلیدی‌ترین اعضای کابینه رئیس‌جمهور جدید آمریکا نیز از همین حالا بر طبل مخالفت با مفاد برجام می‌کوبند و بر بازنگری در آن تأکید دارند.**

باید توجه داشته باشید که از این پس هر گزارشی که در اختیار ترامپ یا اعضای کابینه او قرار می‌گیرد، با واکنش‌های ایران و سایر اعضای ۱+۵ همراه خواهد بود. این واکنش‌ها فارغ از این ماجراست که مثلا مشاور امنیت ملی کاخ سفید یا وزیر دفاع یا وزیر خارجه دولت ترامپ چه کسی است و به کدام جناح سیاسی تعلق‌خاطر دارد. زیرسؤال‌بردن و نقض برجام موضوعی است که مورد پذیرش ایران و اکثریت ۱+۵ نیست. همین خست‌های سیاسی که شما به آنها اشاره می‌کنید، درباره ایران کمی‌ویش میان اعضای کابینه آقای اوپاما نیز وجود داشت، چراکه روابط ایران و آمریکا برپایه‌های تخصص بنا شده است و وضعیت عادی ندارد.

■ اما شاید دشمنی اعضای کابینه رئیس‌جمهور پیشین آمریکا تا به این اندازه نبود.

شاید این‌طور نباشد، اما براساس چارچوب سیاست خارجی ایالات متحده که به اعتقاد بنده ساختارمحور است تا کارگزارمحور، کارگزارها نمی‌توانند تأثیر چندانی بر بازی بزرگ داشته باشند. بازی بزرگ، بازی‌ای است که میان ایران و آمریکا جریان دارد و بر پایه «تخاصم‌های دوجانبه» بنا شده است. بعد هم باید دقت داشته باشید که از حالا نمی‌توان نسبت به واکنش‌های وزیر خارجه‌ای که سابقه‌ای در این حوزه ندارد، پیش‌دآوری و قضاوت کرد. هرچند که چیش دیگر اعضای کابینه ترامپ در وزارت دفاع و جایگاه مشاور امنیت ملی این کشور نشان می‌دهد که شاید در این دوره نیز مانند برخی از ادوار گذشته سیاست‌های دستگاه سیاست‌خارجی آمریکا از جانب پنگاوتن هدایت و راهبری شود. این در حالی است که در دوره ریاست‌جمهوری آقای اوپاما به‌ویژه وزارت خارجه آقای کری، وزارت خارجه آمریکا بیشتر پیرو سیاست‌های شخص رئیس‌جمهور بود.

■ بنابراین امکان برنامه‌ریزی برای تخصص جدید از جانب اعضای کابینه ترامپ دور از انتظار نیست.
این‌طور نیست. معتقدم آقای ترامپ تمایلی ندارد تا آمریکا را وارد جنگ جدیدی کند، چراکه این ماشین جنگ هیچ سود و منفعتی برای او ندارد.

■ نزدیکی ترامپ به پوتین و ستایش او نیز شاید در عدم ورود آمریکا به وضعیت جنگی جدید تأثیرگذار باشد.

براساس «الگوی مرشایمر» زمان «هژمونی‌های جهانی» گذشته است؛ سیاست خارجی آمریکا باید علیه «هژمونی‌های منطقه‌ای» قد علم کند. براساس این الگو، در شرایطی که هیچ قدرتی نمی‌تواند حریف آمریکا در محدوده جغرافیای اطرافش بشود، اما این کشور برای حفظ و توسعه قدرت خود باید در برابر قدرت‌نمایی‌های هژمون‌های منطقه‌ای موجود ایستاده کرده و آن را مهار کند. در حال حاضر مهم‌ترین هژمونی منطقه‌ای چین است و به اعتقاد بنده، دلیل نزدیک‌شدن ترامپ به روسیه نیز برای مهار همین هژمونی است.

■ اما ممکن است در این نزدیکی ایران متحمل ضرر بشود. یعنی روس‌ها برای به‌دست‌آوردن امتیازات بیشتر ایران را تنها بگذارند.

ایران نابین هژمون هیچ کشوری در منطقه نیست

نگاه

نگاهی دوباره به معاهده هیرمند

مرتضی جوادی ـ کارشناس مسائل منطقه

● اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان، در سمینار بین‌المللی دوزوره که از سوی وزارت امور خارجه این کشور برای بزرگداشت شخصیت و کارنامه محمدموسی شفیق، نخست‌وزیر اسبق این کشور، برگزار شد، اظهار کرد: سرتاسر معاهده هیرمند به نفع افغانستان است. وی از امضای معاهده هیرمند به عنوان یکی از اقدامات مؤثر محمدموسی شفیق، نخست‌وزیر و وزیر خارجه پیشین افغانستان، یاد کرد و گفت اجرای این معاهده می‌تواند به نفع صلح و ثبات افغانستان باشد. معاهده رودخانه هیرمند در ۲۲ اسفند سال ۱۳۵۱ خورشیدی از سوی محمدموسی شفیق نخست‌وزیر افغانستان، با عباس هویدا، نخست‌وزیر وقت ایران، به امضا رسید. رودخانه هیرمند که از کوه‌های هندوکش و بابا سرچشمه می‌گیرد، از طریق استان نیمروز افغانستان به دریاچه هامون در کشورمان می‌ریزد. اشرف غنی از امضای این معاهده به عنوان مهم‌ترین اقدام محمدموسی شفیق یاد کرده و با اشاره به ماده پنجم معاهده هیرمند، گفت: براساس این ماده ایران نمی‌تواند هیچ‌گونه ادعای بیشتری برای برخورداری از آب رودخانه هیرمند یا هلمند داشته باشد. به گفته رئیس‌جمهور غنی، حتی اگر مقدار بیشتری آب به دلتای سفلا‌ی هلمند هم وجود داشته باشد، ایران حق برخورداری از آن را برخلاف معاهده هیرمند ندارد. اشرف غنی در این سمینار افزود: موسی شفیق در زمان امضای معاهده هیرمند با انتقاد و فشارهای زیادی مواجه بود؛ اما او برای اینکه همسایه‌ها را از منافع مشترک خود در آدرک کنند، این معاهده را امضا کرد. به گفته او، این اقدام نخست‌وزیر وقت افغانستان برای جلوگیری از رقابت همسایه‌ها صورت گرفت. رئیس‌جمهور غنی با ستایش از این اقدام موسی شفیق، گفت: «حال کار با اجرای این معاهده است؛ معاهده‌ای که سرتاسر به نفع مردم، دولت افغانستان و به نفع صلح و ثبات است». صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه افغانستان، نیز در این سمینار از امضای معاهده هیرمند به عنوان یکی از «بهترین» موافقت‌نامه‌های افغانستان یاد کرده و گفت: موسی شفیق در زمان کارش به عنوان وزیر امور خارجه، برای اعتمادسازی و تنش‌زدایی در سطح منطقه، به‌ویژه با دو کشور همسایه ایران و پاکستان، کاملاً مهمی برداشت. آقای ربانی گفت: «تلاش‌های هفدم و هوشیارانه او برای اعتمادسازی و تنش‌زدایی در سطح منطقه، به‌ویژه با دو کشور همسایه ایران و پاکستان، نشانه‌ای از خبرگی سیاسی او بود. او با مذاکره دشوار و موفق، معاهده آب هلمند را در بیست‌ودوم اسفند ۱۳۵۱ خورشیدی با طرف ایرانی امضا کرد».

هرچند بعد از سال‌ها که مقامات افغانستانی تمایلی به سخن‌گفتن درباره حقایقه کشورمان در رودخانه هیرمند نداشتند و همواره از کنار آن عبور می‌کردند، می‌توان اظهارات اشرف غنی درباره این معاهده را به فال نیک گرفت؛ اما باید به برخی نکات درباره نحوه عملکرد همسایه شرقی را اجرای این معاهده و انتظارات کشورمان از این مهم اشاره کرد.

در ماده سوم این معاهده با اشاره به سهم کلی آب ایران از هیرمند، جدولی ۱۲ماهه تنظیم شده است که دولت افغانستان باید آب را براساس این جدول تحویل ایران بدهد. منطق تنظیم این جدول، میزان نیاز طرف ایرانی در ماه‌های مختلف به آب برای تأمین نیاز بخش کشاورزی بوده است. دولت افغانستان مطابق این جدول تحویل نداده است؛ در نتیجه طرف ایرانی مجبور به احداث ذخیره‌گاه برای نگاهداری آب در ماه‌های سیلابی اسفند، فروردین و اردیبهشت و استفاده از آن برای سایر ماه‌های سال شده است، که بخش زیادی از این آب به علت گرمای شدید، تبخیر می‌شود. همچنین در ماده پنجم این معاهده، ابتدا این‌گونه آمده است: «افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقایقه آن از رود هیرمند که مطابق احکام مندرج در مواد دوم و سوم و چهارم این معاهده تثبیت و محدود شده است، بعضاً یا کلاً محروم سازد». سپس به این موضوع اشاره دارد که ایران بر مازاد آب حقی ندارد؛ حتی اگر دلتای سفلا‌ی هیرمند موجود باشد. دولت افغانستان فقط در پنج سال اخیر با ساخت و به‌وبرداری از سر بند نهر لشگری و بند کمال‌خان و به تازگی نیز با کلیدزن موضوع افزایش ارتفاع سد کجکی، عملاً این بند از معاهده هیرمند می‌گوید. اشراشانی به سود فوق است و نه دریافت ۸۲۰ میلیون مترمکعب به صورت سیلاب‌های مخرب و همراه با رسوبات زیاد.

اینکه رئیس‌جمهور افغانستان اعتقاد قرارداد هیرمند را در سال ۱۳۵۱ مثبت ارزیابی کرده و از موسی شفیق تجلیل کرده‌اند، در جای خود نکته مثبتی است که بعد از سال‌ها که به‌نیکی یادکردن از نخست وزیر فقید افغانستان جرم تلقی می‌شد، بالاخره این خط قرمز برداشته شده است و امیدواریم با همین نگاه مثبت و سازنده، ایشان نیز در دوره ریاست جمهوری خود زمینه را برای انعقاد قرارداد رژیم حقوقی هریرود فراهم کنند تا در آینده از ایشان نیز به نیکی یاد شود.